

۱۷ اسفند ۸۸ مارس، روز رزم زنان

علیه ستم و استثمار

ویژه روز جهانی زن

تاریخچه ۸ مارس

در روز ۸ مارس ۱۹۰۸ هزاران زن کارگر صنایع نساجی و لباس دوزی در شهر نیویورک آمریکا، تظاهراتی گسترده و پرشکوهِ برپا داشتند و خواهان حق رای، پایان بخشیدن به استثمار کودکان و از میان رفتن تبعیض در زمینه کار اجتماعی شدند. آنها در عین حال سر ضد برای ظاهری و دروغین بین زن و مرد به اعتراض برخاستند و آزادی و

حقوق برابر با مرد را در ایجاب واقعی اش در صحنه تولید و حقوق اجتماعی جستجو نمودند.
در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان، "کلارزنگین" زن کمونیست آلمانی و از رهبران سوسیال دموکراسی آلمان، پیشنهاد کرد که روز هشتم مارس بعنوان "روز جهانی زن" انتخاب گردد. در سال ۱۹۱۱، هشتم مارس بعنوان روز جهانی زن از طرف انترناسیونال دوم پذیرفته شد. در ۱۹۱۳ زنان

ساز روسیه برای اولین بار در هشتم مارس ۱۹۱۳، در شرایط اختناق تزاری مراسمی برپا داشتند و در سن پترزبورگ و مسکو جلسه های بحث و سخنرانی برپا کردند.
در ۱۹۱۷ زنان روسیه روز هشتم مارس به خیابانها ریختند تا بر علیه جنسیت و گرونی و سرما و... اعتراض کنند. این حرکت در حقیقت گامی به سوی سرنگونی تزاریم بود و انقلاب ثوریه (براساس تقویم قدیم) در همین روز آغاز گردید.

از آن روز تا کنون، زنان در چندین کشور دیگر جهان، مبارزهای قهرمانانه برای پیروزی زحمتکشان و رهایی زنان را دوش به دوش مردان خود به پیش برده، امپریالیزم را به زانو در آورده و سوسیالیسم را مستقر ساخته اند.
بزرگداشت این روز تاریخی همواره از سوی نیروهای مترقی و انقلابی جهان پیگیرانه دنبال شده است. کمونیستها این روز را همواره گرامی داشته و گوشیده اند پیوند جدایی ناپذیر میان مبارزات زنان

در راه دستیابی به حقوق خویش، با مبارزات کارگران و زحمتکشان را هر چه بیشتر به نمایش بگذارند. پیروزی سوسیالیسم در بسیاری کشور های جهان و گام های بلندی که در این کشورها برای رهایی کامل زنان برداشته شده است اکنون دیگر درستی آنچه را که زمانی هنوز فقط شعار کمونیست ها و نیروهای انقلابی بود به روشنی ثابت کرده است و آن اینکه "آزادی زن، در گرو حاکمیت طبقه کارگر است."

گفته هایی از رهبران سوسیالیزم درباره زنان

لنین

☆ زن ده بار کارگر خانه را بر دوش دارد، هنوز در موقعیتی نامناسب قرار دارد، برای اینکه بتوان او را کاملاً آزاد کرد و بتوان او را واقعاً بر مرد برابر نمود، باید اقتصاد، اشتراکی شود و زن در کار تولید همگامی دست داشته باشد، آنگاه موقعیت زن برابر با مرد خواهد شد.

☆ "نحاشیکه مالکیتی بزرگ، سرمایه داران و بزرگان و وجود دارند، برابری میان زن و مرد حتی در برابری قانون نمی تواند وجود داشته باشد."

☆ "پرولتاریا نمی تواند به طور کامل خود را آزاد نماید، بدون اینکه آزادی کامل برای زنان را به دست آورد."

☆ "با بدکه کارگران زن سهمی هر چه بزرگتر در اداره سازمانهای عمومی و دولت داشته باشند، زنهای خیلی زود، در عین اداره کردن امور، تعلیمات لازم را فرا خواهند گرفت و به پای مسردان خواهند رسید، پس هر چه میتواند بیشتر نماینده ای زن برای شورا انتخاب کنید."

☆ "گوزنان به خدمات عمومی، به مجلسها و به زندگی سیاسی کشیده نشوند، اگر زنان از محیط حرفت کننده خانه و آشپزخانه مستثنی نشوند، تضمین آزادی واقعی غیر ممکن خواهد بود، ساختن سوسیالیسم که هیچ، ساختن دموکراسی نیز

غیر ممکن خواهد بود."

هوشی مین

☆ "اگر زنان رها نشوند پیش ازین می از سوسیالیسم تحقق نیافته است."

لهدوان

☆ "تنها انقلاب سوسیالیستی و آرمان ساختن سوسیالیسم است که می تواند دستما مشربط اقتصادی و اجتماعی، مادی و معنوی لازم برای رهایی کامل زنان و نیل به برابری کامل زنان و مردان را در تمام زمینه ها فراهم آورد؛ برای زنان جایگاهی شایسته در جامعه تا مین کند؛ تمام توانائی و نیروی آنها را در خدمت جامعه به کار گیرد و در عین حال زندگی سعادتمند خانوادگی را برایشان فراهم کند. به همین دلیل است که زنان بیش از هر کس دیگر انقلاب و سوسیالیسم را گرامی میدارند."

رهبران جمهوری اسلامی در مورد زن چه

میگویند؟

☆ رفسنجانی در آستانه فرانسودوم قانون اساسی: "زن رئیس جمهور! بدیک شوخی شبیه است!"
☆ آیت الله صدوقی در مجلس خبرگان:

"یکی از رفقا میگفت که همه تصور که زن میتواند دولتی صغیرش بشود پس می تواند در رئیس جمهور هم بشود! لا این چه حسابی است چون میتواند چه را از یکد ویا کش بکند و از کثافت برکنارش بکند و پستان دردها نش بکنند پس میتوان شد رئیس جمهور بشود! نخست وزیر، من گمان نمیکند که این قناس صحیحی باشد. شما را به خدا کار رهبر را دشوار نکنید... مردها کارندارد و بیشترشان بی کار هستند. حالا بیا کنید و فرمانداری را بسازند بدهید؟"

☆ ظاهری اصفهان در مجلس خبرگان:

"لازم نیست قیومیت به ما دران شایسته داده شود. ممکن است در بعضی مواقع، به علی، به جهانی غیر ما در را انتب بدانند. برای اینکه کارهای بیشتری را میتوان تقبل کند و به عهده بگیرد."

☆ آیت الله موسوی اردبیلی در مجلس خبرگان:

"این یک اصلی است که ما وقتی یک مسائل فقهی و اخلاقی را در اسلام به نظر می آوریم، با حذب شدن زن در محیط کلور در خارج از خانه و در کارخانه ها و امثال اینها منافات دارد."

☆ بنی صدر در تابستان ۵۸ "موی سوزن اشعه ها می دارد که چشم مردها را از آن میدهد."

در جمهوری اسلامی

زن از کمترین حقوق اجتماعی

محروم است.

اکنون زن در عرصه تولید و در گه خانه و گه در کارخانه همچنان بار سنگین و محرومیتی دهشتناک را بر دوش می‌کشد.

زن کارگر در سخت‌ترین شرایط، بدون کمترین حقوق اجتماعی

شاه جلاد، با اعطای آزادی "ملوگانه" به زنان، در واقع راه را برای آزادی سپهرگشای آنان در کارخانه‌ها، ادارات و... گشود. اعطای این "آزادی" برای آن نبود که شاه می‌خواست بار سنگین و محرومیتی را که قرن‌ها بود بر زنان می‌رفت از دوش آنها بردارد، این آزادی نه برای رهایی از قید و بندهای فئودالی و وارد کردن زنان به عرصه تولید و فعالیت اجتماعی سازنده، بلکه برای گشودن راه استثمار سرمایه‌داران وابسته و هوارکردن راه امپریالیزم بود. به این ترتیب، بعد از اصلاحات ارضی، تعداد زنان کارگر افزایش یافت و در طول این سالها، زنان کارگر، بدترین و سخت‌ترین شرایط، برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان کار می‌کردند. دستمزد آنها کمتر از مردان و شرایط کارشان در کارخانه‌ها برتر است. از شرایط طاقت‌فرسای کارگران مرد بدتر بود. بعد از پایان کار روزانه، گروانی اداره، خانه‌خوانده، تم شوهر و فرزند و بار هزاران درد و محرومیت اجتماعی بردوش آنان سنگینی می‌کرد.

زنان نیز در قیام خونین سرنگونی حکومت جهانی شاه، درهم تنگستن مناسباتی که شیرازه جان خود، شوهران و فرزندان‌شان را می‌بستد و رهایی از کوه درد و محرومیت‌های اجتماعی را جستجو می‌نمودند. رهبران جمهوری اسلامی به زنان نیز وعده "عدالت اجتماعی" می‌دادند ولی از همان فردای قیام، سرکوب نیروهای انقلاب و تشکلهای انقلابی در کارخانه‌ها سیر آغاز شد. حکومت به یاری سرمایه‌داران شتافت با خود جای آنها را پر کرد. روابط استعماری گذشته همچنان ادامه یافت و وعده "عدالت اجتماعی" برای زنان کارگر نیز مانند زنان دیگر به شتاب چیزی به همراه نیامد بلکه شرایط سخت و طاقت‌فرسای کار همچنان ادامه یافت. اکنون دو سال بعد از پیروزی قیام، زنان کارگر در کارخانه‌ها همچنان سیر روابط استعماری گذشته‌اند. علاوه بر این آنها در بسیاری از کارخانه‌ها، از لحاظ بهداشتی در وضع خطرناکی بسر می‌برند و در بسیاری موارد حتی از نور و هوای کافی برخوردار نیستند. آلودگی هوا و گازهای سمی ناشی از ذوب مواد، سر و صدای تحمل‌ناپذیر دستگاهها، آلوده بودن فضا به مواد شیمیایی و خلاصه نبودن امکانات بهداشتی و حفاظتی که برای همه کارگران اعم از مرد و زن وجود دارد، در مورد زنان با وضعیت خاص جسمانی آنها و با وجود فشارهای دیگری که خارج از محیط کار بر آنها وارد می‌شود بسیار بسیار طاقت‌فرساست. به همین جهت است که زنان در محیط کارخانه، علاوه بر بیماری‌های عمومی، در معرض بیماری‌های خاص زنانه سیر قرار دارند. کار مداوم و طاقت‌فرسا، در بسیاری موارد موجب سقط جنین کارگران حامله می‌شود. خصوصاً که به موجب قوانین موجود کار در مورد استفاده از مرخصی زایمان، حقوق ایام مرخصی و حق درمان و... بسیاری از آنها مجبورند تا آخرین روزهای قبل از زایمان، به کار ادامه دهند. در مواردی حتی زنان حامله، ناگزیرند بارهای سنگین را جابجا کنند. به همین جهت تعداد بچه‌های نارس و زایمانهای زودرس و سقط جنین در سرد کارگران زن افزایش می‌یابد. وحشت از دست دادن کار، در شرایطی که هیولای بیگاری‌وگرستی در برابر آنها قد علم کرده، گروانی بی‌مسئولیت می‌کند و مسکن گابوس دانشی زحمتکاران شده است آنها را ناچار می‌کند برای حفظ این حداقل معیشت، سخت‌ترین شرایط را نیز تحمل کنند.

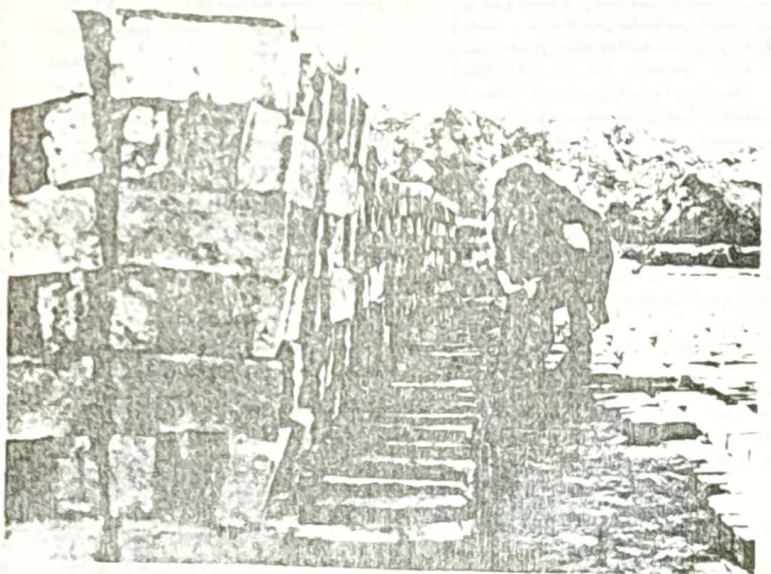
شاه را با هم به آتش می‌کشیدند چینی و امسود گند که آنها فقط با شاه جلاد دشمنی داشته‌اند. آنها گوشیدند نظام سرمایه‌داری وابسته را که شاه فقط پختی از آن و دست‌انداخته آن بود از زبیر صربه خارج کنند. برای زنان نیز مانند دیگر زحمتکاران جامعه، درهم تنگستن ستم و استثمار سرمایه‌داری وابسته انگیزه، شرکت در مبارزه بود ولی آنها برای شرکت در مبارزه انگیزه دیگری نیز داشتند. زنان در جستجوی "عدالت اجتماعی" بودند. آنها رهایی از قید و بندهای قرون و اعصار و ستمی را که به عنوان زن بر آنها روا می‌شد می‌خواستند. اما، رهایی از محرومیت‌های گذشته را به سبای پدرش فرستاد، متذلل امپریالیستی، فرهنگ وابستگی، نمی‌خواستند. در واقع تا زنان با شرکت در قیام پرشکوهی که همه، مظاهر امپریالیزم را هدف قرار داده بودند این فرهنگ‌گرا و "آزادی‌انگاشی" شاه را زبیر با له کردند و در جستجوی فرهنگی انقلابی سر آمدند.

به این ترتیب، حکومت که به حفظ مناسبات سرمایه‌داری در مقابل تعرض انقلابی زحمتکاران برخاسته بود، استثمار زنان را همچون مردان در عرصه تولید مداوم بخشید و در عرصه حیات اجتماعی نیز، حقوق زنان را به سبانه مسازها فرهنگ طاغوتی هر روز بیش از پیش مورد تجاوز قرار داد. تحمیل ارتجاعی‌ترین قوانین فئودالی که کوچکترین حق حیات اجتماعی برای زنان قائل نیست، قوانین مربوط به تعدد زوجات، صیغه، محروم بودن مادر از حق قیمومت بر فرزند، یا تین آوردن سن ازدواج دختران سه سیزده سال، حق طلاق یک طرفه برای مرد و... تحت عنوان احکام الهی به جامعه تحمیل شد و

چیزی از دومین سالگرد پیروزی قیام نمی‌گذرد. غشای که زنان در مبارزه با رژیم دست‌نشانده امپریالیزم و همه، مظاهر وابستگی به آن، در دوره قیام داشتند در ذهن ستم، همچنان روشن و زنده است. ولی جمهوری اسلامی، برای زنان حرمت و خواری و توهین و تحقیر چیزی به ارجمندان نیافرده است. ابتدائی‌ترین حقوق اجتماعی زنان با اعمال احکام و لوایح ارتجاعی - فئودالی و ستمی است و حکومت که از رشد آگاهی زنان، مانند دیگر زحمتکاران، ستمی هر اسد کوچکترین حرکت اعتراضی آنان را سرکوب می‌کند.

شرکت فعال و ستایش انگیز زنان در قیام و جانسازیه‌ها و فیرسانی‌های زبانی که بچه به بچه و با منت گره کرده به استقبال گلوله مسز دوران حکومتی می‌رفتند، با آنها که در روزهای قیام، کار مردان خود در خون می‌غلطیدند آنچنان آشکار و برجسته است که حتی رهبران جمهوری اسلامی نیز که برای زن کوچکترین ارزشی قائل نیستند از عهده آشکار آن بر نمی‌آیند. آنها در حرف می‌گویند: "زنان از ارزشمندترین قشرها هستند و در عمل هر روز تجاوز و تعدی به حقوق اجتماعی زنان را مشروعیت می‌بخشند و در توجیه آشکار طبیعتی‌ترین حقوق زنان، می‌گویند: "مگر زنان حال باخته‌اند که در راه باشند، یا اینکه اگر طلاق گرفتند بچه‌ها را پدرش گرفته و به اینها بسپارند؟" (۱)

اینکه زنان از شرکت در قیام چه هدیه داشتند، آنچنان روشن است که آشکار آن فقط از عهده رهبران جمهوری اسلامی بر می‌آید. چرا که آنها از همان فردای قیام گوشیدند به مرمنی که در هر گام و در سراسر آن روزها، مظاهر وابستگی ستم امپریالیزم، سرمایه‌داری و حکومت دست‌نشانده



دره دره رنج و آحرکاج غارتگران شود فطره در دره و، سلات بسان کن شود.

بسیاری از زنان بیمه نیستند و با اگر هستند مبلغ ناچیزی به آنها تعلق می‌گیرد. هیچ‌کس هم داری گرفتن حق بیمه و برخورداری از مزایای ناچیز آن، خود باردیگری بر دوش زنان کارگر می‌گذارد و این تازه علاوه بر همه مواردی است که زنان کارگر به علت زن بودنشان از بسیاری از مزایا و حقوق "تأمین اجتماعی" محرومند.

کارخانه دوزخ - بیرون کارخانه دوزخ

گذشته از فشار توانفرسای کار جسمی سنگین روزانه، فشارهای عصبی محیط کار و خانه نیز زنان را هر روز فرسوده‌تر می‌کند. زنان حامله‌ای که به بجزه‌ای کارملکی خود را می‌فروشند، زنان خوارگاه در کارخانه، هر لحظه نگران فرزند خود هستند که معلوم نیست پیش از آن همسایه است یا بچه بزرگتر خانه او را نگاه می‌دارد یا... زسر بار این اضطراب و نگرانی‌ها از پا در می‌آیند. این همه علاوه بر کارکننده‌های است که بعد از تمام شدن ساعت کار در کارخانه، در خانه در انتظار آنهست. نگرانی تا: مین ما محتاج روزانه شوهر و بچه‌ها و کار روزمره، خانه که معمولاً تا نیمه شب، وقتی که همه اهل خانه می‌خوابند طول می‌کشد این فشارها آنچنان زنان کارگر را فرسوده می‌کند که در طول روز در کارخانه، گاه حتی از فرصت چند دقیقه‌ای رختن به دستشویی، بسیاری دراز کشیدن در فضای کثیف و متعفن آنجا استفاده می‌کنند. هیچ صحنه‌ای، مانند آن زن کارگری که در این چند دقیقه، روی زمین خیس و کثیف دستشویی دراز کشیده و فقط چند دقیقه‌ای خوابد، اوج این استعمار و ستمی را که بر زنان می‌رود، به نمایش نمی‌گذارد.

اینها همه را باید در کنار حقوق اجتماعی که آنها، بعنوان یک زن در برخورد با قانسون و دادگاه و... از آن برخوردارند، قرارداد تسا ابعاد ستمی که بر زنان کارگر می‌رود پوشش‌تر شود بار محرومیت‌های اجتماعی که دادگاه‌های شرع و قوه قضائیه اسلامی هر روز بر آن چینی می‌افزایند، لواچی ارتجاعی و قرون وسطایی امتثال را بجهت تمام، تعدد زوجات، حق طلاق یک کفره برای مرد... نیز بر این کوه ستم اضافه می‌شود.

زنان روستائی:

فقر و رنج بدون کمترین حقوق اجتماعی

زندگی زنان روستائی که در طول سالیان دوار بعد از "اصلاحات ارضی" شاه‌جلاد، "روز بروز محنت‌بارتر می‌شد، نمونه زنده‌های بوداز آزادی اعطائی او به زنان روستائی. ولی موج انقلاب که می‌رفت تا طومار استعمار و ستم را در روستاها نیز درهم بپیچد، با سدهایان جمهوری اسلامی رویوروند. فقر و فلاکت در روستاها روز به روز بیشتر شد و سیاستهای ضد مردمی حکومت در سرکوب حرکت‌های انقلابی دهقانان، که می‌رفتند با مسادده، زمین‌های سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و ایجاد شوراها و شکل‌های انقلابی خویش گامی به پیش بردارند روز به روز ابعاد آنرا گسترده‌تر می‌سازد.

طبیعی است که سهم زنان روستائی در تحصیل این بار نسبت به دیگر زحمتکشان روستاها، دو چندان است. آنها بعنوان همسر دهقان یا زحمتکش روستائی آن بار را به دوش می‌کشند و در عین حال از ابتدائی ترین حقوق انسانی و اجتماعی نیز محرومند. در بعضی مناطق، زنان روستائی بعنوان کارگر

کشاورزی استعمار می‌شوند. شالی‌کاری و چسندن جای‌کاری است که غالباً زن‌ها انجام می‌دهند و دستمزد آنها در ازای بیش از ۱۲ ساعت کار بسیار ناچیز است. دختران زیر ۹ سال و پسران زن نیمه از کارگران چای چینی را تشکیل می‌دهند. پهنه‌چینی نیز نمونه دیگری از این کارهاست. در بعضی روستاها، زنان و دختران که قالی بافی، گلیم بافی و... آنها تنها منبع تأمین معیشت خانواده‌هاست، "قیمت" دارند. دختران به هنگام ازدواج خرید و فروش می‌شوند و قیمت دختر را توانائی او در قالی بافی، گلیم بافی یا...

تعیین می‌کند. آنها در دخمه‌های تاریک نور، از گودگسی انگشتانشان با رنج و زحمت قالی بافی و... آشنا می‌شود. بسیاری از دختران کوچک در همان گودگسی انگشتان خود را در این راه از دست می‌دهند. بعضی اوقات، آنها حتی تا ۱۸ ساعت در روز به کار مشغولند. کمبود نور، روشنایی چشمانشان را می‌گیرد و سل، رماتیسم و اسهال بیماری‌های زنانه خیلی زود به سراشان می‌آید. فرا گرفتن قالی بافی، گلیم بافی... در واقع تا پایان عمر، سبده‌چینی از آنها را تضمین میکند. وقتی از دختر چهایی کوچکی که در این دخمه‌ها به کار مشغولند می‌پرسی که چرا به مدرسه نمی‌روند، می‌گویند برای اینکه نان نداریم، کار می‌کنم، مدرسه نمی‌روم.

می‌سواد، سنت‌ها و قید و بندهای فئودالی که امکان کوچکترین حرکت آزادانه از زنان می‌گیرد، آنها را از ابتدائی ترین حقوق انسانی و کمترین مواهب زندگی نیز می‌بهره می‌گذارد. گذشته از قالی بافی و کارهای دستی که در شرایط ورنگسگی کشاورزی، عملاً تنها منبع درآمد در بسیاری از روستاهاست، گردانیدن کارهای کشاورزی و دامداری... برعهده زنان نیز هست. زن روستائی و اهلش نیز مانند زنان کارگر زهر بار فشار اقتصادی خود می‌شوند و بی‌سهرمی از کمترین حقوق اجتماعی و سنگینی بار سنت‌های فئودالی و قید و بندهای اجتماعی کمزبان را می‌شکند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی گذشته از نقشی که بعنوان حافظ مناسبات

سرما به داری در حفظ روابط استعماری حاکم بر روستاها دارد، به دلیل پیوندهائی که از نظر فرهنگی با این سنت‌ها و قید و بندها دارد به محرومیت زنان از حقوق انسانی و اجتماعی و مشروعیت الهی می‌بخشد و قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی خود را بعنوان احکام الهی بر زنان روستائی، تثبیت می‌کند. دشمنی جمهوری اسلامی با رشد آگاهی انقلابی زنان آنچنان است که نمونه‌های درخشانی از فعالیت سربوهای انقلابی در این زمینه که در ترکمن صحرا و در کردستان مسورت گرفت، مورد تهاجم و حربه‌های ارگان‌های حکومتی قرار گرفت.

شوراهای دهقانی در ترکمن صحرا و کانسون فرهنگی خلق ترکمن برای بالا بردن فرهنگ زنان روستائی، بودن آگاهی انقلابی به میان آنها و آشنا کردن آنان به روشهای ستم و محرومیتی که بر آنها می‌رود دست به فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌ای زد. در کردستان نیز که حکومت به دلیل مقاومت قهرمانانه، خلق کرد در مقابل سرکوب‌ها، نتوانست به تاراج دست آورد، قیام موفق شود. نیروهای انقلابی برای رشد آگاهی انقلابی زنان و گشادن آنان به عرصه فعال مبارزه، به ترویج فرهنگ انقلابی پرداختند. این تلاش‌ها، اگر چه در شرایطی که نیروهای انقلابی در محض حملات هر روزی، حکومت قرار دارند و در شرایطی که مناسبات اقتصادی حاکم تحقق عینی آزادی زن را غیر ممکن و دست‌یابی کامل او به فرهنگ انقلابی را بسیار مشکل می‌کند، نتایج فوق‌العاده‌ای به همراه دانشات و کسب نام‌های مثبتی است در جهت بردن فرهنگ انقلابی به میان زنان و آگاه کردن آنان به روشهای ستم دوگانه‌ای که بر آنها می‌رود. گاه‌گاهی که در عین حال به زنان نشان می‌دهد که آزادی واقعی آنان تنها در همگامی با نیروهای انقلابی و در مبارزه برای استقرار یک نظام انقلابی، قابل تحقق است.

کمترین حقوق زن در معرض

تهاجم جمهوری اسلامی

هوز چند ماه از پیروزی قیام نگذشته بود که جمهوری اسلامی در کنار سرکوب نیروهای انقلابی، شوراها و شکل‌های انقلابی و مانع‌ت از انجام انتخابات و انتخاب نمایندگان واقعی زحمتکشان، زنان یعنی نسیمی از جمعیت را نیز، از دانش نماندند و واقعی در مجلس محروم کرد. و در عوض یک‌نفر از دست پروردگان حزبی، "منیره" گرجی به نام نمایندند، زنان، از طرف خبرگان به حضور در مجلس مقنن گردید. از میزان آشنائی او با دردهای زنان زحمتکش همین سی که در مورد تعدد زوجات گفتند.

"اسلام، تعدد زوجات را بر این حساب می‌گذارد که زنان بی‌سرپرست هستند و مادرائی هستند که بچه دارند چون جاعه از آن رشد و تقوی و قسط برخوردار نیست، لذا برای اینکه آن ظلم ریشه‌اش برچیده شود، مردی که بتواند از لحاظ توان اقتصادی دوتا سوزن را بگرداند، این کار را بکند و این‌الآن هدف همه جاعه، ماست که ما سعی می‌کنیم مردم بهم نزدیک و اگر واقعاً کسی بتواند رشد فکری برسد و آن حسادت و انحصار طلبی و آن مسائلی که خیلی پیش پا افتاده است... (۱)

و در چنین مجلس خنرگانی و با چنین نماینده‌ای از جانب زنان است که قانون اساسی‌ای تصویب می‌شود که بعد از یکی دو جمله "رحمت آمیز در مورد زنان از قبیل" سبست‌زیر پای مادران است " مادران را حتی از حق قیمومت فرزند خود محروم

زجا بو خیز

ای زن
زجا بوخیز
سکوت خویش را بشکن
و زنجیر اسارت را
زدست و پای خود بکن
و از قلب پر از خشم تو سر ده

نگو بر دیو سرمایه
مرا بشناس اکنون، من زنی آزاده‌ام
چون می‌روم تا همزه مردان هم رزم
بساط تیرگی و ظلم برچیده
و با قریب خواهیم گفت
که نخرین بر تو، بیداد و ظلمت باد

و ای مرد هم رزم
که در قلب تو کین از ظلم و بیداد است
و بازوی ستمت خسته از کار است
بها خیز و بها خیزیم
و در یک سنگ واحد
علیه‌گرگ استعمار
بسی آتش بر افروزیم

سروده: یک مادر زحمتکش هوادار بارگراگر
بمناسبت ۱۷ اسفند روز جهانی زن

جمهوری اسلامی، ابتدائی ترین حقوق زنان را پایمال میکند

می کند ، و بعضی راههای ظلم و تعدی به حقوق زنان مشروعیت می بخشد و آنها را به صورت قانون درمی آورد .

تا مین "عدالت اجتماعی" شورای زنان رسیدگی بخاین مطالب را حکم شرع بر میبندد دارند که بسیاری از آنها نماینده مجلس خبرگان بوده اند اکنون نماینده مجلس شورای اسلامی هستند . اکنون دادگاه های مدنی خاص ، با تکیه به قوانین تعدد زوجات ، حق طلاق یک طرفه برای مسرد شروع بودن صیغه ، یعنی کلامی مسرد و ارجح فحش آوردن من از دواج دختران تا سه زده سال که نام احکام آگهی را دارند هر روز دهها نفر از زنان محروم و ستمدیده جامعه را به مناجات فساد و فحش با شادی تدریجی در زیر بار این ستم ، محکوم می کنند . نمونه ای را بگوئیم قضاوت ها را می توان در حرف های رئیس دادگاه های مدنی خاص جستجو کرد . حجت الاسلام میندوی گرمائی در پاسخ به این سؤال که آیا مرد در حال حاضر می تواند زنی را بدون دلیل طلاق دهد گفت : در اسلام اصولاً طلاق دست مسرد است ولی شرایطی دارد که چنانچه رعایت نشود هیچ گونه ضرری متوجه زن نمی شود . مثلاً می فرماید کسی که می خواهد همسرش را طلاق بدهد حتی اگر او ناراضی دارد و الا بدین تاراجی اقدام به طلاق نمی کند . یعنی ترتیبی می دهی زن عمل را اینکه ما به دادگاه بگذاریم محرز و مسلم است و این حکم الهی است و ملا تغییر آفتابان حکام را در قیام تودها بر علیه رژیم متفرد پهلوی و دست اویز قرار دادمانند در مقابل هرگونه اعتراض زنان ، و برای خفه کردن این اعتراضات بر ما می زند که امثال دادگاه حمایت خانواده را شاه برای فریب زنان ایجاد کرده بود و بی ثمرانه حسابات شامرا دست اویز قرار می دهند تا عقب ماندترین قوانین قرون وسطائی را در مورد زنان پیاده کنند .

هرگونه اعتراضی با این عبارت سرکوب می شود : "دادگاه های مدنی خاص همان دادگاه شرع مقدس اسلام است و بایستی کلیه احکام اسلامی در محدوده این دادگاه به مو اجرا شود . حجت الاسلام گرمائی که هر روزه در مقابل فریاد دهها و صدها زن محروم و ستمدیده جامعه این احکام الهی را صادر می کند همان پاسخی را که رهبران جمهوری اسلامی در پاسخ به خواسته های اقتصادی مردم ارائه می دهند ، اینجا نیز می دهد . مگر زنان جان باختند که فقط در قفا می مانند ، با اینکه اگر طلاق گرفتند چه از پدرش گرفته و به اینها بپایزند ؟ این است برخورد رهبران جمهوری اسلامی با طبیعی ترین و ابتدائی ترین حقوق زنان .

چه کسانی میخواهند درباره حقوق زنان قضاوت کنند؟

آیا وقتی قرار باشد قضاوت در مورد حقوق زنان در اختیار کسانی باشد که حتی در مقام نمایندگی مجلس شورای اسلامی خودشان و در جلسه علنی مجلس نیز همان اختیار خود را ندارند ، عدالتی بیش از این را باید انتظار داشت ؟ این حکام شرع ، همان نمایندگان هستند که وقتی در جلسه مجلس یکی از نمایندگان (اعظم طالقائی) که می گویند ایجاد جامعه را با آقایان بنامیاند ، گفت : در بعضی دادگاهها ، از روی بی مسئولیتی طلاق دادن یک امر رایجی است و حاکم شرع استدلال می کند که این یک حکمی است شرعی و خداوند هم فرموده است هر وقت مرد می خواهد زنش را



طلاق بدهد ، خوب طلاق بدهد و زن باید طلاق بگیرد و حالا این زن به چه صورت و کجا باید برود ؟ و کجا تا مین شود ؟ این سئوالی است که آقای قیاسی بخش (معاون وزارت بهداشت و پیشگیری) باید ترتیبی در این بدهد . فقط جمله آخر را شنیدند و جانب اصیحات که هفتی هم به مصداق "دل به دل راه دارد" یک تعبیر و گنجه ترین تعبیر را از آن کردند . نمایندگان روحانی مجلس در حالیکه می خندیدند ، بهوضعی و مزاح در این مورد پرداختند و یکی از آقایان حرف دل بقیه را زد : "چرا قیاسی بخش ؟ و دیگری ادامه داد : "ما در خدمت شوری حاضریم . " و این "حرفی است که آئینی قلبه جامعه ، برای زنان قائل هستند . این "آئینی" است که بیش از هیچی از حسد ما ، زنان زحمتکش و قهرمان ما در جامعه اسلامی دارند و اینها نمایندگانی

هستند که از ما می کنند از طرف زحمتکشان جامعه ، برای "تعالی" جامعه ؟ قانون وضع می کنند ؟ آیا چنین مجلسی می تواند ، کوچکترین قدمی در راه رهایی زنان از فرهنگ ستم آل امپریالیستی بردارد ؟ چنین دروغ پردازی های بی شرفانه ای فقط از خود مردم فریبان حکومتی بر می آید ، فریبی که زنان ما در زندگی زمره خود آنرا به خوبی حس می کنند .

ولی تجاوز به حقوق اجتماعی زنان به اینجا هم ختم نمی شود . اجباری شدن پوشش اسلامی برای زنان و تشدید باغراج و حتی در سوارزی تعقیب و محاربات متعلقین در ادارات ، نمونه دیگری از این سیاستهاست . در شرایطی که بیگاری بیداد می گرد و زنان زحمتکش که در ادارات کار می کردند از آنجا که خرج خانواده ای را می دادند ناگزیر بودند به این تحصیل جدید تن بدهند . حکومت با زعم به بیانه سازده بنا فرهنگ طاغوتی حق انتخاب پوشش مناسب را نیز از زنان سلبه کرد . سازده با فرهنگ طاغوتی ، بیانه قبلی از این تحصیلها بود است در حالی که جمهوری اسلامی خود بزرگترین ماسم در راه دست باسی زنان به فرهنگ انضامی و سازده با فرهنگ امپریالیستی بود است . بسیاری از زنان کارمند که در دوران رژیم جنبی پهلوی ، مستقیم ترین هدف حملات تبلیغاتی فرهنگ امپریالیستی بودند و رژیم گوشیده بود از آنها عروسک های رنگ و روغن زدای در خدمت خود سازد . در دوره قیام با شرکت در مسابقات خلق با جلوه های از فرهنگ انقلابی که می رفت شکوفا شود ، آشنا گردیدند .

روزهای قیام به همه نشان داد که تنها در جریان سازده با نظار عینی و پایا های امپریالیزم است که می توان با تاثیرات فرهنگ ستم آل امپریالیستی در زندگی زنان سازده کرد ، همچنانکه اثرات این تبلیغات بمرودان نیز تنها در جریان چنین سازدهای نابود می شود . ولی حکومت با دشمنی با فرهنگ انقلابی و سرکوب نیروهای انقلابی و با کوشش برای جلوگیری از اشناع فرهنگ انقلابی راه این سازده با فرهنگ امپریالیستی را می بست .

جمهوری اسلامی ، بارها و بارها وحشت خود را از رشد آگاهی انقلابی زنان نشان داده است . اعدام دختران دانش آموز زیر ۱۸ سال در سنج ، در خرداد ۵۹ به حکم غفاری حاکم شرع ، وحشیانه ترین نمونه این دشمنی است . این وحشت از آنها ناشی می شود که حکومت به این ترتیب با تهدیدی بالقوه از طرف بخش بزرگی از زحمتکشان جامعه که با درک ماهیت جمهوری اسلامی ، بسیاری از بار ستم و استعمار مناسبات موجود به نیروهای انقلابی نزدیک می شوند روبرو می شود . از طرف دیگر ، رشد آگاهی انقلابی زنان مانع بزرگی در راه تحصیل فرهنگ ارتجاعی حکومت که می گوشت به هر ترتیبی که شده زن ها را به گوشه خانه و آشپزخانه برگرداند و آنها را به "حکام" خود تسلیم بار بیاورد ، بوجود می آورد . ولی علیرغم همه ، این تلاشهای مذبحانه ، حکومت ، موج عظیم نیروی زنان جوان ، که اکنون به صف کمونیست ها و نیروهای انقلابی پیوسته اند ، دختران دانش آموز و دانشجو و . . . این منبع پایان ناپذیر انرژی انقلابی که در راه پیروزی آرمان پرولتاریا فداکاران مبارزه می کنند ، و به پیوستن هزاران زن کارگر به جنبش انقلابی در آینده کمک میبند ، آزادی واقعی زنان زحمتکش ما را نوبد می دهد . زنان ما هر چه می گذرد ، بیشتر با این حقیقت آشنا خواهند شد که آزادی واقعی زن ، در گسرو حاکمیت طبقه کارگر است .

فرمان

زنها می آیند از کارخانه ماشین افزار ، از دستها در زیر سربند سرح آنها زلف آشنای را می بینند صد تا ، هزارها ، زن نماینده ، منتخب برای ساختن و رهبری کردن کارخانه و ده . می رود به پیتواز نمایندگان و می گرد از هر سو سلامهای درستانه لبین شما را از دستها از کارخانه ماشین افزار ، فرمان داد که بنامید و اداره کنید دولت را "ما با کرسی"

آزادی واقعی زنان ،

تنها بارهائی زحمتکشان از قید استثمار و ستم تأمین میگردد .



یک زن کلکون گونه
من اینجا دوش دوش شما مردان می جنگم
به روی شانه هایم، نفرین سنگینی می کشد
که بین ما مشترک است.
زندان مدرسه ام؛ معلمینش رفقایم.
تضمیر بجهام و تفکک نوهرم.
مبارزه و مقاومت زن ویتنامی در
طول سالهای جنگ و پیروزی شکوهمند آن،
نشان داد که زنان تنها در مبارزه علیه
امپریالیسم و حکومتهای دست نشانده آن
قادر خواهند بود، برابری مصنوعی در
جوایم سرمایه داری را به برابری
واقعی در کلیه زمینه های زندگی اجتماعی،
بدل سازند.

نقش زنان در پیروزی اولین
انقلاب سوسیالیستی

در پیروزی اولین انقلاب
سوسیالیستی جهان و به قدرت رسیدن
پرولتاریا در روسیه، زنان نقش تعیین
کننده ای بعهده داشتند. گسترش جنبش
کارگری در روسیه و کار سیاسی میان زنان
کارگر و دهقان، به پیشبرد مبارزه انقلابی
این کشور، کمک بسیار نمود. خواسته های
حزب برای آزادی زنان در برنایه های
حزب کارگری، همواره جاشی خاص داشتند.
در دومین کنگره به سال ۱۹۰۳، دانشمندان
حقوق مساوی برای زن و مرد به تصویب
رسید و ممنوع شدن کار زن در صنایعی که
به تندرستی او لطمه میزند، ایجاب نشد.
خوارگاهها، دادن مرخصی با حقوق برای
رایگان، دادن ساعات آزاد برای شیر-
دادن و حمایت از کار زن، در برنایه حزب
کنجا نه شد.

کارگران زن نه تنها همه جا در میان
اعتصاب کنندگان و نطرا هر کنندگان بودند،
بلکه در دستگیرها شای که در روزهای قیام
۱۹۰۵ برپا شد، نیز فعالانه شرکت جستند.
در مقاله های پراودا هم روی علل
فشاری که پیروی زنان زحمتکش در جامعه
سرمایه داری وارد می شد، بحث و افشا-
گری میشد. به ابتکار رلنن، ماهنامه ای
"زن کارگر" در سال ۱۹۱۴، بوجود آمد که
نقد بسیار مهمی در پیروش و گسترش جنبش
انقلابی زنان زحمتکش داشت.

در سالهای مبارزه سهمگین حزب
بلشویک علیه دیکتاتور تزاری، زنان
بلشویک در امر مبارزه کارگری، پخش و
تهیه اعلامیه ها، برگزاری میتینگ های
افتتاحی و نیز زمینه های مبارزاتی،
شرکتی تعیین کننده داشتند. انقلابیون
حرفه ای زن، الکساندر کولنتسکی،
کروپسکا یا همسر لنین، ماریا اولیانوا
خواهر لنین، اینستا آرماند، و تعداد
زیادی زنان دیگر، در تاریخ انقلاب
کبیر سوسیالیستی، برجستگی خاصی دارند.
زنان در انقلاب بورژوا - دموکراتیک
فوریه ۱۹۱۷، شرکت چشمگیری داشتند.
پس از پیروزی اولیه، در همه جاسازمانهای
کاروانی نهفت زنان بوجود آمده همیسن
زنان به یاری پدران، برادران و شوهران
خود، پیروزی اکتبر را تدارک دیدند،
عضوکار در سرخ شدند، در حمله به کاخ زمستانی

زنان در مبارزات خلق کوبا و
پیروزی سوسیالیسم در آن کشور نیز سهم
بمزا شای داشتند. در کوبا ای انقلابی
زنان رزمنده ای چون ویلما اسپین -
ولسیا، در جنبش چریکی، نقش برجسته ای
داشتند. زنان در جنگهای استقلال کوبا
سبزرگنوارتشیای خلقی سن مارتین و
بولیوار، شرکت نمودند.

اکنون زنان فلسطین بطور خستگی
نا پذیر و قهرمانانه بخشی قابل توجه از
مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم
و صهیونیسم جنانیگرا را بدوش میکشند.
آنها در اردوگاهها، دروا حدهای چریکی،
در مناطق اشغالی و در هر کجا که مبارزه
دست دوش بدوش مردان برای رها شای
مبارزه میکنند.

نقش عظیم زنان در پیروزی انقلابات
در ساختن سوسیالیسم در پیشبرد
مبارزه آزادیبخش علیه امپریالیسم
روز بروز برجسته تر گردیده و در شرایطی که
موج جنبش های رها شیبخش بخش بزرگی
از جهان را فرا میکبرد، اینها تنها
نمونه های کوچکی از این مبارزات هستند.
گسترش این مبارزات برای زنان، نه
تنها آزادی از قیدستم و بردگی را به
ارمان می آورد بلکه برافکار پوسیده
و ارتجاعی درباره نقش و جایگاه زنان
در سایر کشورها نیز ضرباتی قابل توجه
وارد میسازد.

شرکت جستند و دستگیرهای پتروگراد،
مکو، کیف، شهرهای سیبری، اورال، و
ماورا، قفقاز، جنگیدند. لنین درباره
مبارزه زنان در پیروزی اکتبر میگوید:
"در پتروگراد و در اینجا مکو، در شهرهای
مراکز صنعتی دور افتاده، زنان پرولتر
هنگام انقلاب خوب مقاومت کردند. ما
بدون آنها نمیتوانستیم پیروزی را به
دست آوریم و با به زحمت موفق میشدیم.
اینست عقیده ای من."

زنان در انقلاب چین و کوبا...

زنان چین که سالها در قید و بندهای
استعمار فئودالی وستم بیکران رواسط
نا برابری اجتماعی ایسیر بودند، در حرکت
سراسری توده ای در چین شرکت نمودند.
در چین فئودالی، زنان ارکلیه حقوق
اجتماعی می بهره بودند بطوریکه تنها،
وسله ای برای تولید فرزند و جزئی از
دارائی شوهر به حساب می آمدند. زن
چینی اولین بار، در مناطق سرخی که در
این کشور پهنانور، اینجا و آنجا به وجود
آمد، طعم برابری اجتماعی را چشید و از
آن پس هر چه فعالانه تر در مبارزه و جنگ
طولانی توده ای شرکت جست.

نقش مؤثر زنان در مبارزات ضد امپریالیستی خلقها،
يك حقيقت انكار ناپذير است



گوشه‌ای از

دستاوردهای سوسیالیسم برای زنان

بمروزی انقلاب اکثری و استغرا روسای لزم در روسیه، برای اولین بار در تاریخ جهان، این حقیقت را که "آزادی واقعی زنان در کشور استغرا روسای لزم و جاکمیت طبقه کارگر است برای مملوینها زن ثوروی و زنان در سراسر جهان عنینت نخند. آنچه که تا آن زمان تنها شعری بود که کمونیستها و درانی آنها حزب بلشویک تحت رهبری لنین آن مورکاکسیر بر- لنینیسم در مورد منتسما ستمی که بر زنان می‌سود درستی خود را استناد رکشور شوراهای سبب در چین و بعدها در کوما، و ستما موسیای کشورها یدیکره اشبات رساند.

طی قرون و اعصار متعدد، مردان به عنوان جنسی برتر، با زنان مانند برده رفتار کرده و زنان اسیر قید و بندها و سنت های کهن از سبب ری زحشوق خود محروم بوده اند. ریشه این بنا بر سر بری و ستم زنانه از بسیاری حقوق خود محرومی می‌کنند. اما از زمان پس طبقات و حاکم طبقه تیر می‌کردند. و در طول قرون ها، سنت ها و فرهنگ های ستمی حاکم طبقه تیر شکل می‌گرفتند. این ستم بر دوش زنان محکمتر می‌گفتند. حاکم ستما به داری برای زنان از رفاه تزه ای دارد. آزادی ز قید و بند های فئودالی، ولی پس آزادی، آزادی برای یورده عرصه تولید و مورد بهره کتی بر ما به داران قرار گرفتند. نه، این ستم در حاکم ستما به داری، مردان همچنان از امتیازات در مقابل زنان برخوردارند اگر چه خود نیز استعمار می‌توانند و زنان در واقع

دوبار رنده اند. استعمار نیروی کار را زنان، به ستمی که به عنوان زن در خانواده و احتما عیوالاتان می‌سود، افزوده می‌گردد. فرهنگ حاکم طبقه تیر هم چنان زنان را غوا رو غفیف می‌دارد. "مورکراسی سوزووا تیر، در کشتار آزادی و سراسری و عده می‌دهد اما در عمل، زنان که نیمه ستمیاند در هیچ کجا در هیچ مورسوری سوزووا تیر، حتی ملوفاتاده ترین آنها برای قانونی با مرد دست تیر و رده اند. (لنین) همه جا "زن در موقعیتی موهر قرار دارد و بدلیل عدم برخورداری از سبب ری امتیازات میدان، امکان شرکت فعال در حیات اجتماعی، سبب ری حاکم را ندارد.

او کبیری جنبش کارگری در اروپا و روسیه و فعالیت روزافزون نیروهای انقلابی، به مبارزات زنان در راه دستا بی به آزادی واقعی، ابعادی دیگر می دهد. سبب ری زنان به عرصه مبارزه سبب می‌کشیده می‌شوند و سوسیال دموکراسی اروپا و روسیه چهره ها یدرخشانها زنان را در خود می‌پرورد. آن مورشهای مارکس، انگلس و سبب لنین در مورد جنبش زنان، در دستور کار انقلابیون قرار می‌گیرند و آن اینکه، زنان آزادان و واقعی خود را در محو حاکم طبقه تیر بدست خواهند آورد. به این ترتیب مبارزات زنان در راه آزادی از ستمی که بر آنها می‌رود سبب مبارزه در راه بیروزی - سوسیالیزم می‌شوند خود و بیروزی سوسیالیزم در روسیه، کواه درستی راه آنان است.

برابری واقعی در حقوق اجتماعی
اولین اقدام حزب کمونیست در جمهوری

شوراهای، در مورد آزادی زنان لوفوتما قوانین بالمانه ای است که حقوق مربوط به ازدواج، طلاق، فرزند را شامل می‌شوند. ولی لنین، در چهار زمین کمفرانسس زنان کارگر غیر حزبی در مسکودر ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۹ می‌گوید: "روشن است که قوانین به ستمی که تا فی ما همه آنچه را که می‌بایستی با داران احکامی ساده خشونتگانه نمی‌داریم، اما در باره قانون گذاری، با داران احکامی سبب کرد تا وضع زن برابری با مرد باشد، نموده ایم و بدستی می‌توانیم از اینکار فخر نمانیم... اما عقیده ما این است که این تازه یک آغاز است. زن که با رکار خانه را بردوش دارد، هنوز در موقعیتی نامناسب قرار دارد. برای اینکه بتوان او را کاملاً آزاد کرد و بتوان او را واقعاً با مرد برابری نمود، باید اقتصاد اشتراکی شود و زن در کار تولید همگانی دست داشته باشد. آنجا که صنعت زن برابری و قیمت مزخاود شد. به این ترتیب سوسیالیزم کام های عملی را در راه آنها می‌گامل زنان بر می‌دارد و می‌رود تا به محورا تا رفرفهنگی این تیر بر می‌رود و حوزه خانوادگی و جامعه بپروردند.

در آوریل ۱۹۱۷، تجدیدنظر در برنامه حزب به صورت زیر اعلام می‌شود:
"حزب می‌خواهد:
- قدغن کردن کار زنانه در واحدهای صنعتی، آنجا شیکه اینکارها صحت ناسالمی برای ما ختمان جسمی زن دارد.
- قدغن کردن کار شب برای زنانه، تا مین تعطیل با دریا به مزد همیشگی، هشت هفته پیش و هشت هفته پس از زایمان و مجانی بودن دارو و درمان برای این زنانه.

ایحا دشیر خوار - گاهها و مهد کودک در کارخانه ها و دیگر سا زمان - می‌باید برای یوزادن و کودکان نخرسال، و هسدم چنین اختتامی دادن محلی که مادران بنوا سندر آنجا شیر بدهند، هر کارگر زنی که کودکش را شسیر می‌دهد، دست کم با بدنییم ساعت وقت در فاطله هائی که بیش از سه ساعت طول نکشند، در اختیار داشته باشد و با بدنه اینها درها در روز یکبار (س-س-س) خوراک داد و بیش از شش ساعت هم در روز نباید کار بکنند.

با بیروزی انقلاب در چین هم، حرکتی توده ای از سوی زنان برای دست یابی به حقوق مساوی آغاز می‌گردد. زنان چینی که سالیان دراز در چهار ردهای خانه اسیر بوده اند به شکل جمعیانه با به عرصه زندگی اجتماعی می‌گذارند. در سال ۱۹۵۰، قانونی جدید در مورد گرفتن حق مساوی زن و مرد، به اجرا گذاشته می‌شود. آموزش سیاسی و ایدئولوژیک زنان در دستور کار دولت انقلابی قرار می‌گیرد. زمینهای که از زمینداران گرفته شده است، بین دهقانان زن و مرد تقسیم می‌گردد و سهم زنان می‌توانند شرکت در تولید اشتراکی، سهم واقعی خود را از ثروت اجتماعی، بدست آورند. در فوریه ۱۹۵۹، اندکی پس از بیروزی انقلاب کوبا، فیدل کاسترو از لیزم محوا ستما روتعیبمی زنان سخن می‌گوید و پس از آن در فاسون نیزاین وظیفه مهم حاکم انقلابی تصریح می‌گردد. حقوق برای بیرون حاکم و وضع اشتغال مادران و ایجاد سا برای امکانات لازم برای

رفع ستم از زنان زحمتکش به تصویر می‌رسد. رسمیت شاختن حقوق اجتماعی برای برابری زنان تنها یک جنبه از تلاش برای آنها نیست، جنبه دیگر و اولی تر، برابری قوانین در ساحت اقتصادی - اجتماعی این جوان می‌نویس است و تحقق این مهم نه فقط به عهده زنان، که نیاز همه حاکم برای سبب است. سوسیالیسمی کشور به شمار می‌رود.

سبک ترک کردن کار خانگی زن را از قید خانه می‌راند

زنان فرصت فعالیت های وسیع اجتماعی را در شرایط بدست می‌آورند که با احتما عی شدن کار خانگی فرصت شکوفایی استعدادهایشان فراهم آید. دولت شوراهای سبب از به قدرت رسیدن پرولتاریا در روسیه، مخارج سنگینی را برای یحا د مید کودک ها و شیرخوارگانها و موسسات اجتماعی برای انجام امور خانگی، صرف می‌کردند. در کشوریک سیستم حمایت ها مادران و کودکان به وجود می‌آید. مسال هزاران موسسه برای نگهداری کودکان به وجود می‌آید. در اتحاد شوروی تا کنون، ۱۲۲ هزار مهد کودک محانا در اختیار خانواده ها قرار دارد. بهنگام تعطیلی مدارس نیز، ۵۴ هزار اردوگاه هیضا هنکی برای استراحت کودکان از ۱۵ سال، امکانات را فراهم می‌نماید. در این مراکز کودکان از نقاشی نواختن موسیقی، رقص ورزش و گردش های همگانی برای شناخت ستر زمین خود و فرا گرفتن سبب و اقتصاد وقت

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند؛ اگر آنها آزاد نباشند، آن جامعه آزاد نیست. (هوشی مین)

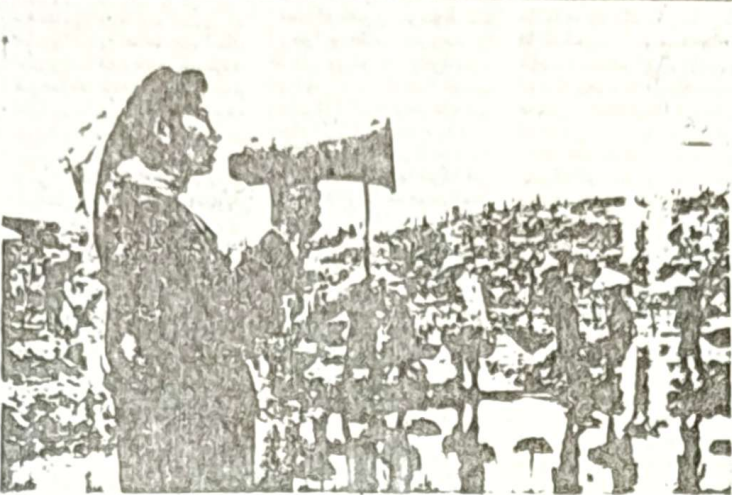
خود را میگرداند.
در ویستام، تا سال ۱۹۷۲، تعداد مراکز شبکه داری کودکان به ۲۴۴۲ عدد در ویستام و ۹۶۰ عدد در کارخانجات و ادارات بالغ می‌گردد. رفیق‌له - دو ان در بخشهای زعفران - تنباکو در کنگره چهارم زنان ویستام می‌گوید: نهاد - های دولتی و اتحادیه‌های

مسا می‌درانجا مکارخانه و تربیت و آموزش فرزندان این مشکل را تخطیف داده اند. چنین پس از انقلاب هم تا سیات کر - گونی زخمیل شیرخوارگاه ها، کودکان - نهسا و موسسات عمومی دیگر راه وجود آورده تا راه برای شرکت برای بزنان در همه وسع اجتماعی، باز کند.

چشمک و روزا بیرون می - شود. تا سال ۱۹۷۷ - ۷۰ میلیون معلم زن به امر آموزش اشتغال داشتند یعنی ۷۰ درصد کل معلمان کشور. در امور بهداشتی نیز ۷۰ درصد نیروی فعال را زنان تشکیل می‌دادند. نزدیک به نهم میلیون زن، کارمند علمی بوده و ۸۲۰ هزار زن با درجه دکترای علمی،

جات جمیه و پشت جمیه به میهنه زنان قرار می‌گیرد. یک میلیون زن نیز به عنوان طعمان، شیرانداز، مسلسلچی، راننده تاکسی، بهزنک و پیکار در جمیه‌های جنگ شرکت می‌کنند.
در ویستام انقلابی تا سال ۱۹۷۲، ۶۰ درصد نیروی کارخانجات و ۲۲

زنان در همه بخشها فعالیت می‌کنند. این به صورت بیست و پنج درصد از کل جمعیت زنان و مردان است. در همین پسران از انقلاب نفوذ عفا بدستی به مقدار زیاد دیده شد. مردان و حتی برخی از زنان در صوب گردیده بود. ولی زن چینیها نشان دادند که با سلامت خود در کارها و مسئولیت‌ها یکنواگون در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شرکت دارند. تا پیش از انقلاب اکثر، پسران برای بزنان، در جمهوری‌ها و شرقی کشورها با عکس العمل‌ها عیبی در ویستام می‌شود. بعضی از نما پندگانی از ازبکستان و ترکمنستان به کنگره حزب بلشویک می‌رفتند. توسط کما نیکه در خرافات عمیق پسر می - بردند، نیرو می‌نویسند. تحریکات ما لکان و ملاها در این میان نقش بسیار دارد. فقط در سال ۱۹۲۸، ۲۶۰ زن را در ازبکستان دزدیده یا کشته می‌نمودند. در سایر کشورهای انقلابی نیز مواضعی بین چنین راه‌ها می‌شد تا راه‌ها را می‌کنند. چنین وضعیت، مانع اجرای سیاستهای دولتی یا انقلابی می‌شود. اما زنان انقلابی کشور - های جهان با امید به زندگی نوین انسانی و استقامت در راه معنوی - رزه‌ای قاطع و پیکار را در پیوند با جنبش کارگری تحت رهبری طبقه کارگر به پیش می‌برند. آنها تحر - بیات بسیاری را پیش رو دارند و خوب می‌دانند که تنها راه نجات از ستم قرون و اعصار، مبارزه با استعمار و بردگی و ساختن زندگی نوین سوسیالیستی است.



آنان سرگرم با زسازی یک گامال آبیاری هستند.

منظم، با یک مهندس کودک، غذا خوری، مراکز بهداشتی، زایشگاه و حمام عمومی بسازند. و آنها را با کاتر آشپزخانه به راه اندازند شبکه توزیع کالاهای مصرفی و گروههای خدمات خانگی را در شهرها و روستاها، توسعه دهند. کمیته‌های حزب، کارخانجات و جوامع و تشکلات توده‌ای، باید عملی‌ترین و مشفق‌ترین اقدامات را برای کمک به زنان ما بپردازند. آمدن بر مشکلات میسر - زندگی و سبک کردن بند - بجز مبارکات را می‌خواهد. به خصوص در مورد پدر و مادر - خانه به عمل آورند.

تلاش برای شرکت همه جانبه زنان در امور اجتماعی

به موازات ایجاد امکانات رفاهی برای زنان، تلاشی همه جانبه به منظور شرکت آنها در اداره فعالانه ترموشترخانیه، در کشورهای سوسیالیستی صورت می‌گیرد. در روسیه پیش از انقلاب ۶/۶ زنان کمتر از ۵۵ سال بهیواد بودند. دولت تزاری به این نتیجه رسیده بود که دست کم ۲۸۰ سال برای ر بین بودن بیسواد می - زنان وقت لازم است. ولی قدرت شوراهای این مسئله را طی چند دهه حل می‌کند. شرکت زنان در کارها و تخصصی علمی،

موجود بودند. دانشمندان برخاسته از نیندر رشته‌های علوم و پزشکی از میان زنان بر خاسته تعداد دینگان زن در همه جمهوریها، پیش از بزنان مردانست. زنان شوروی در جنگ بزرگ میهنی، علیه تاج و زگران فاشیست‌گمانی، قهرمانی‌ها و شجاعت‌های بی‌شمار را در جبهه جنگ می‌کنند. هنگامیکه مردان کارخانیه را رها کرده و برای دفاع از سوسیالیسم میهنی زخمیکشان در ارتش سرخ شرکت می‌کنند زنان جای خالی آنها را در صنایع و کشتا و رزق می‌کنند. دختران ترکمن، در پشت تراکتورها و ماشین‌های تراش و خرمن کوب جای می‌گیرند. تا مینا احتیاج -

در مدگارگران و شاغلین، ۵۲ درصد کارگران دستنی زن هستند. در تجارت نیز نزدیک به ۶۰ درصد، در خدمات بهداشت عمومی ۶۰ درصد در آموزش و پرورش ۵۲ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می - دهند. زنان ویستام در ادراجه معنوی سوختیت ارزشمندی را کسب کرده - است. ۳۰ درصد نما پندگان مجلس ملی و ۴۰ درصد نما پندگان شوراهای مردم، زن هستند. در شوراها و محرومات شوروی، کارخانجات و ادارات، دانشگاهها و مراکز علمی و... نیز زنان نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کنند.

در این میان نقش بسیار دارد. فقط در سال ۱۹۲۸، ۲۶۰ زن را در ازبکستان دزدیده یا کشته می‌نمودند. در سایر کشورهای انقلابی نیز مواضعی بین چنین راه‌ها می‌شد تا راه‌ها را می‌کنند. چنین وضعیت، مانع اجرای سیاستهای دولتی یا انقلابی می‌شود. اما زنان انقلابی کشور - های جهان با امید به زندگی نوین انسانی و استقامت در راه معنوی - رزه‌ای قاطع و پیکار را در پیوند با جنبش کارگری تحت رهبری طبقه کارگر به پیش می‌برند. آنها تحر - بیات بسیاری را پیش رو دارند و خوب می‌دانند که تنها راه نجات از ستم قرون و اعصار، مبارزه با استعمار و بردگی و ساختن زندگی نوین سوسیالیستی است.

آزادی زن، در گرو حاکمیت طبقه کارگر است